

دعای ۲۴۹ - بعد از ظهر روز جمعه



امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت سجاد علیه السلام روایت کرده است که فرمود: از اعمال بعد از عصر روز جمعه خواندن این دعا است:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْهَجْتَ سَبِيلَ الدَّلَالَةِ عَلَيْكَ بِأَعْلَامِ
الْهُدَايَةِ بِمَنِّكَ عَلَى خَلْقِكَ،

خداوندا، تو به لطف خویش، راه هدایت به سوی خود را با نشانه‌های روشنِ راهنما برای آفریدگانت هموار ساختی.

وَأَقَمْتَ لَهُمْ مَنَارَ الْقَصْدِ إِلَى طَرِيقِ أَمْرِكَ بِمَعَادِنِ
لُطْفِكَ،

و با گنجینه‌های لطفت، چراغ‌های مقصد را برایشان در مسیر فرمان خود برپا کردی.

وَتَوَلَّيْتَ أَسْبَابَ الْإِنَابَةِ إِلَيْكَ بِمُسْتَوْضِحَاتٍ
مِنْ حُجَجِكَ،

و با دلایل آشکارت، اسباب توبه و بازگشت به سوی خویش را به عهده گرفتی؛

قُدْرَةً مِنْكَ عَلَى اسْتِخْلَاصِ أَفْضَلِ عِبَادِكَ،

تا با قدرت خویش نیکوترین بندگانت را خالص گردانی



وَحَظًّا^۲ لَهُمْ عَلَىٰ آدَاءِ مَضْمُونِ شُكْرِكَ،

وایشان را در ادای کامل شکرته بهره‌مند سازی.

وَجَعَلْتَ تِلْكَ الْأَسْبَابَ لِخَصَائِصٍ^۳ مِنْ أَهْلِ

الْإِحْسَانِ عِنْدَكَ، وَذَوِي الْحَبَاءِ لَدَيْكَ،

واین اسباب را به بندگان خاص خود اختصاص دادی، آنان که در پیشگاهت اهل احسان و عطایند.

تَفْضِيلًا لِأَهْلِ الْمَنَازِلِ مِنْكَ، وَتَعْلِيمًا أَنَّ مَا أَمَرْتَ

بِهِ مِنْ ذَلِكَ مُبْرَأٌ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ،

این کار برای برتری دادن به آنان که نزد تو جایگاهی دارند، و برای آن است که به بندگان بیاموزی آنچه به آن فرمان داده‌ای، هیچ‌توان و نیرویی در انجامش نیست مگر به یاری تو.

وَشَاهِدًا فِي إِمْضَاءِ الْحُجَّةِ عَلَىٰ عَدْلِكَ وَقَوَامِ وُجُوبِ

حُكْمِكَ.

واین خود گواهی است بر عدالت و برپایی وجوب حکم تو، در به اجرا درآوردن حجت‌ها.

اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَشَفَعْتُ الْمَعْرِفَةَ بِذَلِكَ إِلَيْكَ،

وَوَثِّقْتُ بِفَضِيلَتِهَا عِنْدَكَ،

خداوندا، من این معرفت به تو را شفیع خود در درگاهت قرار داده‌ام و به فضیلت آن نزد تو اطمینان دارم.

وَقَدَّمْتُ الثِّقَةَ بِكَ وَسَيْلَةً فِي اسْتِنْجَازِ مَوْعُودِكَ،
وَالْأَخْذِ بِصَالِحِ مَا نَدَبْتَ إِلَيْهِ عِبَادَكَ،

و اعتماد و اطمینان به تورا وسیله‌ای برای تحقق وعده‌هایت،
و عمل به کارهای شایسته‌ای که بندگان را بدان
فراخوانده‌ای، قرار داده‌ام؛

وَأَنْتِجَاعاً بِهَا مَحَلَّ تَصْدِيقِكَ، وَالْإِنْصَاتِ إِلَى
فَهْمِ غَبَاوَةِ الْفِطْنِ عَنْ تَوْحِيدِكَ،

تا با این معرفت، جایگاه تصدیق تورا طلب کنم و به ناتوانی
عقل‌ها در درک کامل توحید تو گوش جان بسپارم.

عِلْمًا مِنِّي بِعَوَاقِبِ الْخَيْرَةِ فِي ذَلِكَ، وَاسْتِرْشَاداً
لِبُرْهَانِ آيَاتِكَ،

زیرا می‌دانم که سرانجام نیکو در این مسیر است و با آن، به
دنبال هدایت از نشانه‌هایت هستم.

وَاعْتَمَدْتُكَ حِرْزاً وَاقِياً مِنْ دُونِكَ،

و از هر آنچه جز توست، به تو تکیه کردم تا چون پناهی امن،
مرا حفظ کنی.

وَاسْتَنْجَدْتُ الْإِعْتِصَامَ بِكَ كَافِياً مِنْ أَسْبَابِ
خَلْقِكَ،

و برای رهایی و کفایت از اسباب مخلوقات، به یاری تو چنگ
زده‌ام.

فَارِنِي مَبَشِّرَاتٍ مِنْ إِبَابَتِكَ تَفِي بِحُسْنِ الظَّنِّ
بِكَ،

نشانه‌هایی از اجابت را به من بنمایان که گمان نیکم را
به تو محقق سازد،

وَتَفِي عَوَارِضَ التَّهْمِ لِقَضَائِكَ،

و بدگمانی‌هایی را که نسبت به قضای تو در دل پدید می‌آید،
از بین ببرد.

فَإِنَّهُ ضَمَانُكَ لِلْمُجْتَدِينَ ۵ وَوَفَاؤُكَ لِلرَّاعِيْنَ
إِلَيْكَ.

زیرا که این (اجابت)، ضمانت تو برای درخواست‌کنندگان و
وفای توبه مشتاقان درگاهت است.

اللَّهُمَّ وَلَا أَدْلَنَّ عَلَيَّ التَّعَزُّزُ ۶ بِكَ،

خداوندا، مباد که به ذلت دچار شوم در حالیکه عزتم را تنها
از تومی جویم.

وَلَا أَسْتَقْفِينَنَّهُجَ الضَّلَالَةِ عَنْكَ وَقَدْ أَمَّتْكَ
رَكَائِبُ طَلِبَتِي،

و مباد که از راه هدایت توبه گمراهی کشیده شوم، در حالی
که خواسته‌هایم مرا به سوی تو کشانده‌اند

وَأَنِخْتُ^۷ نَوَازِعُ الْأَمَالِ مِنِّي إِلَيْكَ، وَنَاجَاكَ عَزْمُ
الْبَصَائِرِ لِي فِيكَ،

و امیدوارم آرزوهایم در نزد تو آرام گرفته‌اند. و اراده و بصیرتم،
در راه رسیدن به تو، با تو را زو نیاز کرده است.

اللَّهُمَّ وَلَا أَسْلَبَنَّ عَوَائِدُ مِنْكَ غَيْرَ مُتَوَسِّمَاتٍ إِلَى
غَيْرِكَ.

خداوندا، مباد که بخشش و نعمت‌های همیشگی‌ات از من
سلب شود؛ که این نعمتها از غیر توبه دست نمی‌آیند.

اللَّهُمَّ وَجَدِّدْ لِي وَصْلَةَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ،

خداوندا، پیوند گسسته‌ام با خودت را از نو برقرار کن

وَاصْدُدْ قُوَى^۸ سَبَبِي عَنْ سِوَاكَ

و رشته‌های دلبستگی‌ام را از هرکس و هرچیز غیر از خودت
بگسل.

حَتَّى أَفِرَّ عَنْ مَصَارِعِ الْهَلَكَاتِ إِلَيْكَ،

تا از پرتگاه‌های هلاکت به سوی تو بگریزم.

وَأَحْتُ الرِّحْلَةَ إِلَى إِثَارِكَ بِاسْتِظْهَارِ الْيَقِينِ فِيكَ،

و با یاری گرفتن از قدرت یقین به تو، سفرم را به سوی تو را
برگزیدن، شتاب بخشم.

فَإِنَّهُ لَا عُدْرَ لِمَنْ جَهَلَكَ بَعْدَ اسْتِعْلَاءِ الشَّنَاءِ عَلَيْكَ،

زیرا پس از آنکه ثنا و عظمت تو چنین بلند آوازه و آشکار گردیده، هیچ عذری برای کسی که تو را شناسد، باقی نمی ماند.

وَلَا حُجَّةَ لِمَنْ اخْتَزَلَ^۹ عَنِ طَرِيقِ الْعِلْمِ بِكَ مَعَ

إِزَاحَةِ الْيَقِينِ مَوَاقِعَ الشُّكُوكِ^{۱۰} فِيكَ،

و آنگاه که یقین، مجال هر گونه تردیدی را درباره تو از میان برداشته، هیچ بهانه ای از کسی که از راه شناخت تو منحرف شده، پذیرفته نیست.

وَلَا يُبْلَغُ إِلَى فَضَائِلِ الْقِسْمِ إِلَّا بِتَأْيِيدِكَ وَتَسْدِيدِكَ،

و جز به تأیید و هدایت تو نمی توان به بهره های افزون رسید.

فَتَوْلِنِي بِتَأْيِيدِ مَنْ عَوْنِكَ، وَكَافِنِي عَلَيْهِ بِمَجْزِيلِ

عَطَائِكَ.

پس مرا با تأییدی از یاری ات تحت سرپرستی خود قرار ده و به پاداش آن، عطای فراوانت را روزی ام گردان.

اللَّهُمَّ أَتْنِي عَلَيْكَ أَحْسَنَ الشَّنَاءِ، لِأَنَّ بَلَاءَكَ عِنْدِي

أَحْسَنُ الْبَلَاءِ،

خداوندا، تو را با بهترین ستایش های من ستایم؛ زیرا آزمون های تو برای من، بهترین آزمون ها بوده است.

أَوْقَرْتَنِي نِعْمًا وَأَوْقَرْتُ نَفْسِي ذُنُوبًا،

نعمت‌ها را بر من سنگین کردی و من نیز گناهان را بر خود سنگین کردم.

كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَسْبَغْتَهَا عَلَيَّ لَمْ أُؤَدِّ شُكْرَهَا،

چه بسیار نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشتی و من شکر آن‌ها را به جا نیاوردم.

وَكَمْ مِنْ خَطِيئَةٍ أَحْصَيْتَهَا عَلَيَّ اسْتَحْيِي مِنْ ذِكْرِهَا،
وَأَخَافُ جَزَاءَهَا،

و چه بسیار گناهانی که بر من شمردی و من از یادآوری آن‌ها شرم دارم و از سزای آن‌ها می‌ترسم.

إِنْ تَعَفُّ لِي عَنْهَا فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ، وَإِنْ تُعَاقِبَنِي
عَلَيْهَا فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنَا.

اگر از آن‌ها درگذری، تو شایسته‌ی مقام بخشش هستی، و اگر مرا به سبب آن‌ها مجازات کنی، مستحق آن عقوبت هستم.

اللَّهُمَّ فَارْحَمْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا
نَاجَيْتُكَ،

خداوندا، آنگاه که تو را می‌خوانم، بر ندایم رحم کن، و زمانی که با تو نجوا می‌کنم، به من روی کن

فَإِنِّي أَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَذْكُرُكَ حَاجَتِي

که من نزد توبه گناهام اعتراف می‌کنم، و نیازهایم را به تو عرضه می‌کنم

وَأَشْكُو إِلَيْكَ مَسْكَنَتِي وَفَاقَتِي وَقَسْوَةَ قَلْبِي وَمَيْلَ

نَفْسِي،

و از درماندگی، فقر، قساوت قلب و خواهش‌های نفسم به تو شکایت می‌آورم.

فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾،

زیرا تو خود فرمودی: «آنان در برابر پروردگارشان فروتنی نکردند و زاری ننمودند.»

وَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي قَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ،

و اینک منم، ای محبوب من، که به تو پناه آورده‌ام.

وَقَعَدْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا، مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ،

رَاجِيًا لِمَا عِنْدَكَ،

و اکنون فروتنانه و متضرعانه به درگاهت در برابر تو نشسته‌ام؛ و به آنچه نزد توست امیدوارم.

تَرَانِي وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي،

تو مرا می‌بینی و از آنچه در درونم می‌گذرد آگاهی، سخنم را می‌شنوی،

وَتَعْرِفُ حَاجَتِي وَمَسْكَنَتِي وَحَالِي وَمُنْقَلَبِي وَمَشْوَايَ

و حاجت و بیچارگی و حال و وضع من، و بازگشت و جایگاهم
را می شناسی.

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَبْتَدِيَ فِيهِ مِنْ مَنْطِقِي، وَالَّذِي أَرْجُو

مِنْكَ فِي عَاقِبَةِ أَمْرِي،

و می دانی سخنی را که می خواهم آغاز کنم و نیز آنچه را که
از تو در سرانجام کارم امید دارم.

وَأَنْتَ مُحْصٍ لِمَا أُرِيدُ التَّفَوُّهُ بِهِ مِنْ مَقَالِي."

و تو آنچه را که می خواهم به زبان آورم، در شمار داری.

جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ بِأَسْبَابِي وَمَا يَكُونُ مِنِّي فِي سَرِيرَتِي

وَعَلَانِيَتِي،

تقدیرات تو در زندگی من جریان یافته و هر آنچه در پنهان و آشکار
از من سر می زند، از اراده توست.

وَأَنْتَ مُتِمُّ لِي مَا أَخَذْتَ عَلَيْهِ مِيثَاقِي

و تو آن عهد و پیمانی را که از من گرفته ای، برایم کامل
می سازی.

وَبِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنُقْصَانِي.

و افزونی و کاستی من تنها به دست توست، نه به دست دیگری.

فَأَحِقُّ مَا أَقَدِمُ إِلَيْكَ قَبْلَ الذِّكْرِ لِحَاجَتِي،^{۱۲} وَالتَّفَوُّهُ
بِطَلِبَتِي،

بنابراین، پیش از آنکه نیازهایم را به زبان آورم و خواسته‌هایم را مطرح کنم، سزاوارترین کاری که باید انجام دهم،

شَهَادَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ، وَإِقْرَارِي بِرُبُوبِيَّتِكَ الَّتِي
ضَلَّتْ عَنْهَا الْأَرَاءُ،

شهادت به یگانگی تو و اقرار به پروردگاری توست که اندیشه‌ها از رسیدن به آن گمراه شدند،

وَتَاهَتْ فِيهَا الْعُقُولُ، وَقَصُرَتْ دُونَهَا الْأَوْهَامُ،
خردها در آن سرگردان گشتند، پندارها از درکش کوتاه
آمدند

وَكَلَّتْ عَنْهَا الْأَحْلَامُ وَانْقَطَعَ دُونَ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا
مَنْطِقُ الْخَلَائِقِ،

خیالات از فهم آن ناتوان گشته و زبان و منطقی هیچ مخلوق
را توان رسیدن به عمق معرفتش نیست.

وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ وَصْفِهَا
و زبان‌ها از ادراک و بیان نهایت وصفش درمانده‌اند.

فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَبْلُغَ شَيْئًا مِنْ وَصْفِكَ، وَيَعْرِفَ
شَيْئًا مِنْ نَعْتِكَ

هیچ آفریده‌ای را مجال آن نیست که حتی به ذره‌ای از وصف
تو نائل آید، یا گوشه‌ای از صفات را بشناسد؛

إِلَّا مَا حَدَّدْتَهُ وَوَصَفْتَهُ وَوَقَفْتَهُ عَلَيْهِ وَبَلَّغْتَهُ إِيَّاهُ.
مگر آن مقدار که خودت حد و مرز آن را مشخص کرده‌ای،
آن را وصف نموده‌ای، ما را بر آن واقف ساخته‌ای و به ما ابلاغ
فرموده‌ای.

فَأَنَا مُقِرٌّ بِأَنِّي لَا أَبْلُغُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ تَعْظِيمِ
جَلَالِكَ،

پس من اقرار می‌کنم؛ که هرگز دست نخواهم یافت به
بزرگداشت عظمت تو

وَتَقْدِيرِ مَجْدِكَ، وَتَمْجِيدِكَ وَكَرَمِكَ، وَالشَّانِ
عَلَيْكَ، وَالْمَدْحِ لَكَ،

و به پاسی ستودن شکوه تو، و تمجید و کرم و ستایش و مدح
تو،

وَالذِّكْرِ لِأَلَائِكَ، وَالْحَمْدِ^{۱۳} لَكَ عَلَى بَلَائِكَ
وَالشُّكْرِ^{۱۴} لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ،

و یاد نعمت‌هایت، و سپاس بر آزمون‌ها و شکر بر بخشش‌هایت

وَذَلِكَ مَا تَكَلُّ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ، وَتَعَجُّزُ^{۱۵}
الْأَبْدَانُ عَنْ آدَاءِ^{۱۶} شُكْرِهِ،

اینها چیزهایی است که زبان‌ها از توصیفش ناتوان، و جسم‌ها
از ادای شکرش عاجزند.

وَإِقْرَارِي لَكَ بِمَا احْتَطَبْتُ عَلَى نَفْسِي، مِنْ مُوبِقَاتِ
الذُّنُوبِ الَّتِي قَدْ أُوْبَقْتَنِي،

و اعتراف می‌کنم به بار گناهان مهلکی که بردوش خود
نهادم؛ گناهانی که مرا به هلاکت کشانده

وَأَخْلَقْتَ عِنْدَكَ وَجْهِي، وَلِكَبِيرِ خَطِيئَتِي، وَعَظِيمِ
جُرْمِي.

و به سبب خطای بزرگ و جرم عظیم در پیشگاه تو آبرویم را
ریخته است.

هَرَبْتُ إِلَيْكَ رَبِّي، وَجَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْلَايَ،
پروردگارم، به سوی تو گریختم و در آستانه، ای مولای من، زانوی
ادب بر زمین نهادم.

وَتَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ سَيِّدِي، لِأُقِرَّ لَكَ بِوَحْدَانِيَّتِكَ،
وَبُوجُودِ رَبُّوبِيَّتِكَ،

سرورم! به درگاهت تضرع و زاری کردم؛ تا به یگانگی‌ات، و به
وجود پروردگاری‌ات اقرار کنم،

وَأُثْنِي عَلَيْكَ بِمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ، وَأَصِفَكَ ۱۷

بِمَا يَلِيْقُ بِكَ مِنْ صِفَاتِكَ،

و تا تو را آن گونه که خود ستوده‌ای، بستایم، و با صفاتی که شایسته‌توست، توصیفت نمایم،

وَأَذْكُرُ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ مَعْرِفَتِكَ،

و نیز نعمت شناخت و معرفت را که بر من ارزانی داشتی، یاد کنم.

وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَسْتَغْفِرُكَ لِخَطِيئَتِي،

و به گناهانم در محضر تو اقرار و اعتراف کنم و از خطاهایم طلب بخشش و مغفرت نمایم،

وَأَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ مِنْهَا إِلَيْكَ، وَالْعَوْدَ مِنْكَ عَلَيَّ

بِالْمَغْفِرَةِ لَهَا،

و از تو بخواهم که توبه‌ام را بپذیری و از جانب خویش بر من ببخشی؛

فَإِنَّكَ قُلْتَ: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾

که تو خود فرمودی: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید، که او همواره بسیار آمرزنده است.»

وَقُلْتَ: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾.

و نیز فرمودی: «مرا بخوانید تا اجابتان کنم. بی گمان
کسانی که از بندگی ام سر باز زنند، با خواری و ذلت وارد
جهنم خواهند شد.»

إِلٰهِ إِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ لِقَضَاءِ حَاجَتِي،

محبوب من! برای برآورده شدن حاجتم، تنها بر تو تکیه کردم.

وَبِكَ أَنْزَلْتُ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقَتِي التَّمَسَّاسَ مِنِّي

لِرَحْمَتِكَ، وَرَجَاءَ مِنِّي لِعَفْوِكَ،

و امروز فقر و نیازمندی بی حد خود را به امید رحمت و عفو تو،
تنها به درگاه تو آورده‌ام.

فَإِنِّي لِرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ أَرْجِي مِنِّي لِعَمَلِي،

زیرا امید من به رحمت و گذشت تو، بس بیشتر از امیدی
است که به اعمال خویش دارم.

وَرَحْمَتِكَ وَعَفْوِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي،

و رحمت و عفو تو، بسی گسترده‌تر از گناهان من است.

فَتَوَلَّ الْيَوْمَ قَضَاءَ حَاجَتِي بِقُدْرَتِكَ عَلَى ذَلِكَ
وَتَيْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ،

اکنون، برآوردن حاجتم را که با قدرت لایزال تو ممکن و بر
تو بسی آسان است، خود متکفل شو.

فَإِنِّي لَمْ أَرْخِيراً قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي
سُوءاً قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ،

تمام خوبی‌هایی که به من رسیده فقط از جانب تو بوده و هیچ
کس جز تو شر و بدی را از من دور نکرده است.

فَارْحَمْنِي سَيِّدِي يَوْمَ يُفْرِدُنِي النَّاسُ فِي حُفْرَتِي،
وَأَفْضِي إِلَيْكَ بِعَمَلِي،

پس ای آقای من، به من رحم کن، در آن روز که مردم مرا در
گودال قبرم تنها می‌گذارند و با اعمالم به سوی تومی‌آیم.

فَقَدْ قُلْتُ سَيِّدِي: ﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلْنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ﴾.

که تو خود فرمودی: «نوح ما را خواند، پس ما نیکو اجابت‌کننده‌ای
هستیم.»

أَجَلٌ، وَعِزَّتِكَ سَيِّدِي لِنِعْمِ الْمَجِيبِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ
الْمَدْعُوِّ أَنْتَ،

آری، به عزتت سوگند، ای سرور من؛ که توبه‌ترین اجابت‌کننده
وبهترین کسی هستی که خوانده می‌شوی.

وَلِنِعْمِ الْمُسْتَعَانِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الرَّبِّ أَنْتَ،

وتوبه‌ترین کسی هستی که از تویاری می‌جویند، وتوبه‌ترین
پروردگاری

وَلِنِعْمِ الْقَادِرِ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْخَالِقِ أَنْتَ،

توبه‌ترین فرد قدرتمند و بهترین آفریدگار هستی

وَلِنِعْمِ الْمُبْدِيِّ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الْمُعِيدِ أَنْتَ،

توبه‌ترین آغازگر و بهترین بازگرداننده‌ای.

وَلِنِعْمِ الْمُسْتَعَاثُ أَنْتَ، وَلِنِعْمِ الصَّرِيحُ أَنْتَ.

وبهترین کسی هستی که از تویاری می‌خواهند، وتوبه‌ترین
فریاد رس هستی.

فَأَسْأَلُكَ يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا غِيَاثَ

الْمُسْتَعِيثِينَ، وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،

از تومی خواهم، ای فریادرس دردمندان، وای یاری گریناهجویان،
وای سرپرست مؤمنان،

وَالْفَعَالُ لِمَا يُرِيدُ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ
وای آنکه هرچه بخواهی انجام می دهی، ای کریم، ای کریم،
ای کریم؛

أَنْ تُكْرِمَنِي فِي مَقَامِي هَذَا وَفِيمَا بَعْدَهُ كَرَامَةً لَا
تُهِينُنِي بَعْدَهَا أَبَدًا،

که در این جایگاه و پس از آن، به من چنان کرامت و عزتی
ببخشی که پس از آن هرگز خوارم نسازی.

وَأَنْ تَجْعَلَ أَفْضَلَ جَائِزَتِكَ الْيَوْمَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ
النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ،

و برترین پاداش امروزت را، رهایی ام از آتش و رستگار شدنم به
بهشت قرار دهی.

وَأَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَشَرَّ كُلِّ
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ،

و (از تومی خواهم) که از من دفع کنی: شرّ هر ستمگر عناد
پیشه، و شرّ هر شیطان سرکش،

وَشَرَّ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ، وَشَرَّ
كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ،

و شرّ هر یک از بندگان ضعیف یا قوی خود، و شرّ هر کس را
چه نزدیک و چه دور،

وَشَرَّ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْهُ وَبَرَأَتْهُ وَأَنْشَأَتْهُ وَابْتَدَعَتْهُ،

و شر هر آن کس که او را آفریدی، صورت دادی، ایجاد کردی و پدید آوردی

وَمِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَالْبَرْدِ وَالرَّيْحِ وَالْمَطَرِ، وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ ذِي شَرٍّ،

و همچنین مرا از شر صاعقه‌ها، سرما، باد و باران، و شر هر صاحب شری، دور کنی

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِاللَّيْلِ

وَالنَّهَارِ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

و نیز شر هر جنبنده‌ای، چه کوچک و چه بزرگ، که شب و روز در قلمرو قدرت تو هستند و تو مهارشان را در دست داری، از من دفع کنی.

إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

که پروردگار من قطعاً بر راهی راست استوار است.

۱. بِمُسْتَوْصَحَاتٍ

۲. حَصًّا

۳. بِمُخَصَّيْصٍ

۴. وَالْإِنصَاتِ
۵. لِلْمُجْتَهِدِينَ
۶. التَّعَزُّزِ
۷. وَانْتَحَتِ
۸. قَوَى
۹. اخْتَزَلَ
۱۰. الشَّكِّ
۱۱. مَقَالَتِي
۱۲. ذِكْرٍ حَاجَتِي
۱۳. وَالْحَمْدُ
۱۴. وَالشُّكْرُ
۱۵. تَعَجِزُ
۱۶. أَدْنَى
۱۷. وَأَصْفُكَ